



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روابط بین الملل

موضوع:

جایگاه انرژی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۶۸)

استاد راهنما: دکتر محمد باقر حشمت زاده

استاد مشاور: دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

نگارش:

مرتضی شکری گلدره

پائیز ۱۳۸۹



## تقدیم به

---

پدر و مادر مهربانم که همواره در طول  
حیات پربارشان از حمایت های  
بی دریغ آنها بهره مند بوده ام و تقدیم  
به همه آنان که مرا علم آموختند .

## سپاسگزاری

---

از استاد راهنما جناب آقای دکتر محمد باقر حشمت زاده که در طول نگارش این پایان نامه همواره مرا یاری کرده‌اند و نیز از زحمات بی دریغ استاد بزرگوار جناب آقای دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی که در طول این مدت مشاور بنده بودند کمال تشکر و قدردانی را دارم. باشد که این یادآوری نمایانگر سپاس بی پایان من نسبت به کمک های بی دریغ آنان به شمار آید.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات پژوهش</b>
2	بیان مسئله
3	سؤال
3	فرضیه
4	شاخص های متغیر مستقل
4	شاخص های متغیر وابسته
4	تعریف مفاهیم و متغیرها
5	روش جمع آوری اطلاعات
5	روش پژوهش
6	اهداف تحقیق
6	پیشینه پژوهش
8	سازماندهی تحقیق
	<b>فصل دوم: چارچوب نظری: برونگرایی اقتصادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران</b>
12	ضرورت رابطه بین اقتصاد و سیاست
15	استراتژیهای توسعه
16	۱- استراتژی توسعه درونگرا
18	۲- استراتژی برونگرا
19	۳- استراتژی توسعه مختلط
19	استراتژی و مدل توسعه اقتصادی ج.ا.ایران
22	ماهیت سیاست خارجی توسعه گرای تعاملی و مسالمت جو
22	الزامات سیاست خارجی توسعه گرای تعاملی و مسالمت جو
24	سیاست خارجی توسعه گرا و اصل تنش زدایی
	<b>فصل سوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی و ژئوپولیتیک انرژی خلیج فارس</b>
29	تعریف سیاست خارجی
29	عوامل مؤثر در سیاست خارجی ایران
۳۰	۱- نظام بین الملل
۳۱	۲- موقعیت جغرافیایی

۳۲	۳- ویژگیهای فرهنگی
۳۲	۴- متغیرهای اقتصادی
۳۳	تعامل انرژی و سیاست خارجی
۳۴	منطقه خلیج فارس و اهمیت آن برای ایران
۳۵	۱- تنگه هرمز و جایگاه آن در سیاست های منطقه ایران
۳۶	۲- اهمیت راهبردی خلیج فارس
۳۶	۱- موقعیت ژئوپولیتیک خلیج فارس
۴۰	۲- وجود مخازن مشترک نفت و گاز ایران در خلیج فارس
۴۱	الف- میدان گازی پارس جنوبی (گنبد شمالی)
۴۲	ب- میدان گازی آرش
۴۳	تعامل اقتصاد انرژی و سیاست خارجی ایران
۴۵	نقش و جایگاه انرژی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۴۷	جنگ و بخش نفت ایران
۴۸	میزان سرمایه گذاری های انجام شده در بخش نفت و گاز
۴۹	امضای قراردادهای بیع متقابل
۴۹	مفهوم بیع متقابل
۵۰	نمونه هایی از قراردادهای بیع متقابل منعقد شده در صنعت نفت و گاز ایران
۵۰	۱- طرح توسعه میادین نفتی سیری A و E
۵۰	۲- طرح توسعه میادین گازی پارس جنوبی
۵۱	۳- توسعه میدان نفتی درود
۵۱	۴- توسعه میدان نفتی بلال
۵۱	چشم انداز بیست ساله و صنعت نفت و گاز کشور
	<b>فصل چهارم: تنش زدایی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران</b>
۵۸	مفهوم تنش زدایی
۶۰	عوامل و زمینه های شکل گیری سیاست تنش زدایی ایران نسبت به منطقه خلیج فارس بعد از جنگ تحمیلی
۶۰	۱- نیازها و مشکلات اقتصادی

۶۲	۲- محیط ناامن منطقه
۶۳	۳- پایان جنگ ایران و عراق
۶۴	ضرورت و اهمیت تنش زدایی و اعتمادسازی در منطقه ی خلیج فارس
۶۴	۱- موقعیت راهبردی خلیج فارس
۶۵	۲- سیاست گذاریهای نفتی
۶۵	روند تنش زدایی ایران نسبت به منطقه بعد از جنگ تا کنون
۶۵	۱- تنش زدایی در دوران هاشمی رفسنجانی
۷۰	۲- تنش زدایی در دوران خاتمی
۷۵	۳- جایگاه تنش زدایی در سند چشم انداز بیست ساله و برنامه چهارم توسعه
۷۷	۴- سیاست تنش زدایی منطقه ای در دوران احمدی نژاد
	<b>فصل پنجم: انرژی و سیاست تنش زدایی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران</b>
۸۶	پیشینه تنش ها ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس
۹۳	جنگ نفت آغازی بر همکاریهای نفتی ایران و کشورهای عربی خلیج فارس
۹۶	همکاریهای ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در زمینه نفت و گاز
۹۸	اوپک بستری برای همکاریهای جدید ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس
۱۰۳	همکاری ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس در زمینه گاز
۱۰۳	برنامه های صادرات گاز از طریق خط لوله
۱۰۳	پروژه خط لوله انتقال گاز به امارات
۱۰۴	پروژه خط لوله انتقال گاز به کشور کویت
۱۰۶	پروژه خط لوله انتقال گاز به کشور عمان
۱۰۷	پروژه خط لوله انتقال گاز به کشور بحرین
۱۰۷	همکاریهای ایران و قطر
۱۲۰	نتیجه گیری
۱۲۴	منابع و مآخذ

## فهرست جداول

۴۱	جدول شماره ۱
۱۰۵	جدول شماره ۲
۱۰۶	جدول شماره ۳
۱۰۷	جدول شماره ۴
۱۱۲	جدول شماره ۵
۱۱۲	جدول شماره ۶
۱۱۲	جدول شماره ۷

## فهرست نمودارها

۸۷	نمودار شماره ۱
۱۱۳	نمودار شماره ۲



## چکیده:

امروزه منابع انرژی از درجه اهمیت رو به افزایشی در معادلات اقتصادی و سیاسی برخوردار است و حیات کنونی بشر وابسته به انرژی است و انرژی محرکه تمامی فعالیت‌های صنعتی، حمل و نقل، کشاورزی و... است. در این میان، رابطه اقتصاد و سیاست در کشوری مانند ایران بسیار پررنگ تر و برجسته تر است زیرا از زمان پیدایش نفت اقتصاد کشور ما در مسیری حرکت کرده است که به آن اقتصاد نفتی گفته می‌شود. در ایران نفت در طول حداقل نیم قرن اخیر شاه‌رگ اصلی و حیاتی این کشور بوده است. تا جاییکه روابط خارجی و سیاست خارجی کشور را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است و می‌توان گفت به طور گریزناپذیری موفقیت سیاست خارجی ایران در پیوند با موضوع نفت و گاز است. از آنجایی که هر کشوری در عرصه اقتصادی دارای مدلی برای توسعه است جمهوری اسلامی نیز بعد از جنگ هشت ساله یک مدل توسعه اقتصادی تحت عنوان برونگرایی اقتصادی اتخاذ کرد. در این رساله به رابطه بین مدل توسعه اقتصادی از یک سو و نوع و ماهیت جهت‌گیری‌های سیاست خارجی از سوی دیگر پرداخته خواهد شد. و نگارنده بیان می‌کند چون اقتصاد کشور ما وابسته به فروش نفت و به نوعی وابسته به دنیای خارج است، جمهوری اسلامی ایران مجبور بوده است که بعد از جنگ تحمیلی مدل توسعه برون‌گرا را برای خود اتخاذ نماید و تأثیری که این مدل بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌گذارد این است که کشور باید در جهت حل اختلافات خود با دنیای خارج مشخصاً کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای مصرف‌کننده قدم بردارد و به عبارت دیگر در مسیر تنش زدایی حرکت کند. همچنین به منظور فروش بهتر نفت جمهوری اسلامی نیازمند این است که هرچه بیشتر خود را با دیگر کشورهای صادرکننده نفت هماهنگ نماید و با همکاری بیشتر در این عرصه، فروش مطمئن نفت خود را تضمین کند. لذا بعد از پایان جنگ هشت ساله الزامات ناشی از بازسازی کشور، دولت‌مردان جمهوری اسلامی را به مسیر تنش زدایی با کشورهای منطقه و غربی سوق داد زیرا کشور ایران که کاملاً متکی به درآمدهای نفتی بود، برای بازسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ به منابع و سرمایه‌های خارجی نیاز داشتند و همین عامل باعث شد که برخلاف دهه اولیه انقلاب سیاست عملگرایانه تری را نسبت به محیط خارجی خود اتخاذ کنند. پیامد اصلی این امر این بود که کشورهای خارجی نیز در نگرش خود نسبت به دولت جدید در ایران تجدید نظر ایجاد کردند بعبارت دیگر با فاصله گرفتن مقامات جمهوری اسلامی ایران از سیاست سالهای اولیه انقلاب و اتخاذ مواضع عملگرایانه تر موضع دنیای خارج نیز نسبت به جمهوری اسلامی ایران تعدیل شد. در این رساله به این امر می‌پردازیم که انرژی (نفت و گاز) یکی از مؤلفه‌های سیاست تنش زدایی ایران در منطقه خلیج فارس بعد از جنگ هشت ساله با عراق بوده است.

# فصل اول:

## کلیات پژوهش

## بیان مسئله:

امروزه منابع انرژی از درجه اهمیت رو به افزایشی در معادلات اقتصادی و سیاسی برخوردار است و حیات کنونی بشر وابسته به انرژی است و انرژی محرکه تمامی فعالیت‌های صنعتی، حمل و نقل، کشاورزی و... است. در جهان کنونی مهم‌ترین عناصر انرژی نفت و گاز طبیعی و ذغال سنگ است. به عبارتی دیگر مهم‌ترین منابع انرژی منابع هیدرو کربنی است. گرچه در دهه‌های اخیر توجه ویژه‌ای به انرژی هسته‌ای شده است اما نتوانسته است سهم عمده‌ای در میان دیگر حامل‌های انرژی پیدا کند. اهمیت نفت و گاز در سبب انرژی امروز جهان و اهمیت انرژی در اقتصاد امروز جهان موجب تعاملی گسترده میان انرژی و سیاست گردیده است. در ایران نیز نفت در طول حداقل نیم قرن اخیر شاه‌رگ اصلی و حیاتی این کشور بوده است. تا جائیکه روابط خارجی و سیاست خارجی کشور را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است و می‌توان گفت به طور گریزناپذیری موفقیت سیاست خارجی ایران در پیوند با موضوع نفت بوده است. این موفقیت در بهترین حالت زمانی به دست آمده که سیاست خارجی کشور جهت‌گیری بین‌المللی داشته است. بنابراین نمی‌توان نقش منابع انرژی را در تعاملات جمهوری اسلامی ایران با دنیای خارج را نادیده گرفت. سیاست خارجی جمهوری اسلامی بعد از جنگ تحمیلی نیز بسیار متأثر از متغیرهای اقتصادی بویژه انرژی (نفت و گاز) بوده زیرا کشور برای بازسازی جنگی نیاز فراوانی به منابع اقتصادی و درآمد نفت داشت. با توجه به اینکه اقتصاد ایران اقتصادی نفتی است و کاملاً متکی به اقتصاد نفت و گاز می‌باشد طبیعی بود که بعد از جنگ که اصلاحات اقتصادی سر لوحه برنامه‌های کشور قرار گرفت، سیاست خارجی کشور نیز متأثر از همین عامل باشد. منابع انرژی (نفت و گاز) و سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر آن، در تعیین الگوی روابط خارجی و مناسبات ایران با سایر بازیگران بین‌المللی از جمله کشورهای نفت خیز منطقه خلیج فارس حائز اهمیت است. اقتصاد تک محصولی ایران الگوهای خاصی از تعاملات خارجی را ایجاد می‌کند با توجه به اینکه تمام نفت ایران از طریق خلیج فارس صادر می‌شود و کاملاً به تنگه هرمز وابسته است، همکاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس در زمینه نفت و گاز، بسیار با اهمیت بوده تا جائیکه همین همکاریها مسائل سیاسی و ایدئولوژیک را تحت تأثیر قرار داده است. لذا جمهوری اسلامی بعد از جنگ تحمیلی علیرغم همکاری وسیع کشورهای عربی حوزه خلیج فارس با عراق در تجاوز این کشور علیه ایران، روبه سمت سیاست تنش زدایی با این کشورها آورد. برای نمونه کاهش قیمت نفت در اواسط دهه ۹۰ میلادی یکی از عوامل مؤثر در گسترش روابط همکاری جویانه ایران با کشورهای صادرکننده نفت در حوزه جنوبی خلیج فارس بود. بر این اساس جمهوری

اسلامی بعد از جنگ تحمیلی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ روبه سمت سیاست تنش زدایی در قبال این کشورها آورد.

با روی کارآمدن دولت خاتمی سیاست تنش زدایی ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. خاتمی در استراتژی سیاست خارجی خود بهبود رابطه با کشورهای منطقه و خارج از منطقه را نیز مد نظر قرار داد. در واقع با توجه به پیش زمینه یاد شده بود که سیاست خارجی خاتمی از سال ۱۳۷۶ به بعد مبتنی بر تنش زدایی قرار گرفت. به طوری که کشورهای منطقه خلیج فارس سیاست خارجی تنش زدایی را به گرمی استقبال کردند و آن را در جهت روند نزدیکی خود با کشور ایران ارزیابی نمودند. همکاری ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس در قالب اوپک را می توان از این زاویه نگاه کرد.

روابط ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس بعد از روی کارآمدن دولت احمدی نژاد در چارچوب سیاست تنش زدایی تداوم یافت. با توجه به اینکه شروع دوره برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز بیست ساله با دوران ایشان تقارن داشته و همواره در این برنامه ها بر تنش زدایی و همکاری با کشورهای منطقه تأکید شده است می توان گفت تنش زدایی با کشورهای منطقه در دوران احمدی نژاد نیز تداوم یافته است. نکته ظریفی که در سیاست تنش زدایی احمدی نژاد باید به آن توجه کرد این است که سیاست تنش زدایی ایشان در دنیای خارج کمتر مورد استقبال قرار گرفت اما دولت نهم در عمل اقدامات زیادی برای تنش زدایی با کشورهای منطقه انجام داد. از جمله همکاریهای انرژی ایران با کشورهای جنوبی خلیج فارس در این دوره امضای تفاهم نامه‌های همکاری در زمینه صدور گاز به بسیاری از کشورهای منطقه خلیج فارس و نیز همکاری در زمینه سرمایه گذاری مشترک در بخش صنعت می باشد و همین باعث همکاریهای سیاسی بیشتری با این کشورها شد. بنابراین بعد از جنگ ایران و عراق، انرژی همواره نقشی اساسی در اتخاذ سیاست تنش زدایی منطقه ای جمهوری اسلامی در قبال کشورهای منطقه خلیج فارس داشته است که در این پژوهش به این امر پرداخته می شود.

### سؤال:

انرژی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی بعد از جنگ تحمیلی چه تاثیری داشته است؟

### فرضیه:

منافع انرژی یکی از مولفه های سیاست تنش زدایی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس بوده است.

**شاخص های متغیر مستقل :**

- کاهش درآمدهای نفتی بعد از جنگ ایران و عراق.
- بروز جنگ نفتی خلیج فارس (حمله عراق به کویت) و متأثر شدن بازار نفت.
- وجود بحران شرق آسیا در ۱۹۹۷ و تحت تأثیر قرار دادن بازار نفت.
- همکاری با کشورهای عربی عضو اوپک در زمینه های ( قیمت گذاری، سقف تولید، انتخاب دبیرکلی اوپک).

- همکاری ایران با کشورهای منطقه در زمینه صدور گاز به این کشورها.

**شاخص های متغیر وابسته:**

- همکاریهای ایران با کشورهای منطقه در محکوم نمودن تجاوز عراق به کویت و کمک به این کشور.
- افزایش سطح مراودات سیاسی و مبادلات تجاری ایران با کشورهای منطقه.
- افزایش مناسبات ایران با کشورهای منطقه از جمله عربستان و کویت در راستای صلح و امنیت منطقه بعد از جنگ نفتی خلیج فارس.
- انعقاد تفاهم نامه های همکاری صدور گاز با کشورهای منطقه.

**تعریف مفاهیم و متغیرها:****\* سیاست خارجی<sup>۱</sup> :**

در خصوص سیاست خارجی به تعریف های زیادی بر می خوریم، بدون این که این تعریفها تفاوت ماهوی و مفهومی داشته باشند و تقریباً همه ی آن ها به یک مفهوم اشاره دارند. اما از میان آن ها تعریف زیر کاملتر و روشن تر به نظر می رسد: « سیاست خارجی » عبارت است از : خط مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و [تعقیب و تحصیل] منافع خود اتخاذ می کند<sup>(۱)</sup>

**\* سیاست انرژی**

سیاست انرژی در هر دوره ای با توجه به بینش نخبگان حاکم، شرایط اقتصادی و سیاسی کشور، اوضاع بین المللی شکل می گیرد و میزان تولید و مصرف، سطح قیمت و نحوه خرید و فروش را مشخص می کند در اینجا منظور از سیاست انرژی همان سیاستهای نفتی و گازی می باشد.

<sup>1</sup> Foreign policy

**\* انرژی:**

در اینجا منظور از انرژی همان منابع نفت و گاز می باشد باید توجه داشت در این پژوهش انرژی صرفاً به عنوان یک منبع داخلی مطرح نیست بلکه انرژی به عنوان یک متغیر بین المللی نیز مد نظر می باشد. یعنی تغییر و تحولات در زمینه قیمت، سقف تولید و... در سطح بین الملل نیز مورد توجه می باشد.

**\* سیاست تنش زدایی:**

واژه فرانسوی دتانت به معنی تخفیف تشنج بین دولتها از دهه ۶۰ میلادی در عرف سیاست بین المللی رایج گردید و آغاز انتشار وسیع آن در روابط دو بلوک شرق و غرب در محدوده کاهش کلاهکهای اتمی و تسلیحاتی مخرب جهانی و رفع حالت آماده باش جنگی بین دو پیمان نظامی ورشو و ناتو دیده می شود.<sup>(۲)</sup>

**\* تنش زدایی منطقه ای ایران:**

به این معنی است که ایران در سیاست خارجی خود در صدد رفع سوء تفاهم های انباشته شده از گذشته و در تلاش جهت پایان دادن به هر نوع تنازع و کشمکش بین المللی است و برای تأمین امنیت خود به واقعیت های موجود بین المللی توجه دارد. در واقع خط مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب به بعد را می توان با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب سیاست تنش زدایی مورد بررسی قرار داد.<sup>(۳)</sup>

**\* برونگرایی اقتصادی:**

برونگرایی در معنای نخست آن، بر گفتمان رشد محور استوار است؛ بدین معنا که برقراری روابط با دنیای خارج و اتخاذ «سیاست انفتاح» در بعد سیاسی و «سیاست درهای باز» در بعد تجاری، موجب ارتقای جایگاه آن کشور از طریق تحکیم پیوند سیاسی و حضور فعال و موثر آن کشور در صحنه بین المللی و معادلات جهانی می شود.<sup>(۵)</sup> در اینجا منظور از برونگرایی اقتصادی مدل و الگوی توسعه اقتصادی برونگرا می باشد.

**روش جمع آوری اطلاعات:**

در این پژوهش از منابع کتابخانه ای از قبیل کتاب، مقاله، پایان نامه، و همچنین از منابع و مقالات اینترنتی و سایت و روزنامه استفاده شده است.

**روش پژوهش:**

روش توصیفی- تبیینی روش مورد استفاده در این پژوهش می باشد.

**اهداف تحقیق:**

پس از جنگ تحمیلی هشت ساله سیاست خارجی ایران دچار تغییر و تحول شد ریشه یابی دلایل و علل تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیازمند تجزیه و تحلیل عناصر و متغیرهایی است که به آن شکل می دهند. یکی از متغیرهای تاثیر گذار بر سیاست خارجی منابع انرژی می باشد و اتکای تقریباً انحصاری ایران بر صدور انرژی نفت و گاز آن را به صورت کشور ی با اقتصاد تک محصولی در آورده است. یکی از اهداف نگارنده در این رساله بررسی این موضوع است که با توجه به نقش نفت در اقتصاد کشور، جمهوری اسلامی ایران بعد از جنگ چه نوع رابطه و یا مدل اقتصادی باید در دنیای خارج پیگیری کرده است. رابطه بین مدل توسعه اقتصادی از یک سو و نوع و ماهیت جهت گیری های سیاست خارجی از سوی دیگر هدف اصلی این رساله می باشد. در دوران بعد از جنگ به نوعی می توان گفت برونگرایی اقتصادی در رأس اهداف و سیاست های کشور قرار گرفت که این الگوی اقتصادی خود مستلزم سیاست خارجی توسعه گرا و برون گرا است از آنجایی که مهمترین منبع اقتصادی جمهوری اسلامی نفت و گاز می باشد این کشور برای تأمین امنیت انرژی رو به سمت تنش زدایی منطقه ای آورد. بنابراین یکی دیگر از اهداف این پژوهش نشان دادن این می باشد که ایران چگونه در قالب الگوی برونگرایی اقتصادی توانسته است به اهداف سیاست خارجی خود در منطقه خلیج فارس برسد.

نیز پژوهش حاضر در صدد است ضمن بررسی منابع عظیم انرژی در حوزه نفت و گاز و توجه به موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک ایران و قرار گیری در منظر شاهراه مواصلاتی انرژی و حمل و نقل و نقش این منابع در تأمین نیازهای روز افزون انرژی در سطح منطقه، قصد دارد شناخت کلی از این جایگاه در راستای رسیدن به اهداف سیاست تنش زدایی منطقه ای داشته باشد. در این پژوهش همچنین سعی شده است نقش نفت و گاز در راستای همکاریهای منطقه ای و وابستگی متقابل بین ایران و کشورهای منطقه مورد پژوهش قرار گیرد.

**پیشینه پژوهش:**

رابطه سیاست خارجی و انرژی به عنوان موتور محرک اقتصادی، نظامی و استراتژیک همواره مورد توجه سیاستگذاران و دانشگاهیان بوده و تحقیقات متعددی در این زمینه صورت گرفته است که مشخصات و چکیده مفهومی و دستاورد علمی آنها به شرح زیر می باشد:

**۱- تعامل نفت و سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران: رهیافت تنش زدایی**

مقاله ای از سیروس فیضی می باشد که در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۲۲ در فصلنامه بین المللی روابط خارجی به چاپ رسیده است. در این مقاله نویسنده به نقش نفت در اتخاذ سیاست تنش زدایی در دوره خاتمی می

پردازد. این مقاله مدعی است سیاست خارجی تنش‌گریز جمهوری اسلامی در سالهای ۲۰۰۴-۱۹۹۷، عامل اصلی و مؤثر در افزایش قیمت‌های نفت در سال‌های ۱۹۹۸ به بعد از طریق جلب همکاری اعضای اوپک و رضایت بین‌المللی در تلاش برای کاهش تولید اوپک و در نتیجه، افزایش قیمت نفت بوده است. در نهایت، سیاست نفتی و روند عملکرد این سیاست خارجی را در جهت قیمت‌گذاری در اوپک، بررسی می‌نماید. در این مقاله برعکس پژوهش حاضر تاثیر تنش‌زدایی بر قیمت نفت مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- تأثیر اقتصاد نفت (سیاست نفتی) بر سیاست‌گذاری خارجی ایران" نگارش مهدیه نقی زاده؛ استاد راهنما رفیع؛ استاد مشاور آقایی، تهران ۱۳۸۰ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

این پژوهش شامل سه فصل است که ابتدا فصل اول به توضیحاتی در مورد سیاست خارجی ایران و عوامل و متغیرهای مؤثر بر آن اختصاص یافته است فصل دوم مسئله اقتصاد نفت (قیمت، عرضه، تقاضا نهادهای نفتی بین‌المللی)، و سرانجام سیاست نفتی ایران علی‌الخصوص در دهه نود مورد بررسی قرار گرفته است و ارتباط سیاست نفتی ایران با سیاست‌گذاری خارجی ایران، به طور موردی، با دو نمونه کشور عربستان و اتحادیه اروپائی در فصل سوم مورد بحث قرار گرفته است. نگاه و رویکرد این پژوهش بصورت مقایسه‌ای می‌باشد در صورتیکه در پژوهش حاضر تحلیل سیاست خارجی ایران با توجه به مؤلفه انرژی می‌باشد.

۳- دیپلماسی انرژی و لزوم استفاده از آن برای تأمین منافع ملی ایران در جهان:

عنوان مقاله ای است از جواد کی پور و جهانبخش ایزدی که ابتدا به بررسی و تبیین دیپلماسی انرژی و سر فصل‌های آن می‌پردازد و پس از بررسی وضعیت آینده انرژی جهان و بازارهای آتی انرژی برای ایران، وضعیت دیپلماسی انرژی ایران را مورد توجه قرار داده و سپس راهکارهایی را برای دستیابی به یک حضور مؤثر در بازارهای جهانی انرژی ارائه می‌کند.

۴- نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی:

کتاب «نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی» نوشته قدیر نصری به مقوله امنیت در دو حیطه آسیب‌پذیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی نگاه می‌کند و نگارنده خطر واقعی را حاصل ترکیب دو عامل مذکور می‌داند. این کتاب شامل چهار بخش می‌باشد. در بخش اول مبانی معرفتی و مدل‌های عینی گفتمان امنیت ملی تشریح می‌شود در بخش دوم مکانیسم عمل نفت در عرصه امنیت داخلی طرح می‌شود. بخش سوم اختصاص به چرایی کارکرد ضد امنیتی نفت دارد و در بخش آخر به پیامدهای امنیتی عدم سرمایه‌گذاری مناسب در منابع نفت و گاز می‌پردازد.

۵- اقتصاد سیاسی نفت در ایران پس از انقلاب (۱۹۷۹-۱۹۸۸)



مسعود غفاری در مقاله خود تحت «عنوان اقتصاد سیاسی نفت در ایران پس از انقلاب (۱۹۷۹-۱۹۸۸)»، مشکلات ایران را در رابطه با تولید و صدور نفت طی یک دوره ۱۰ ساله مورد بررسی قرار می دهد. نویسنده ابتدا به سیاست مدیران انقلاب در کاهش تولید و صادرات نفت اشاره می کند و معضلات اقتصادی - سیاسی کشور در نتیجه کاهش صادرات نفت، وقوع جنگ تحمیلی و جنگ نفت کشها تشریح می نماید. نامبرده با ارائه میزان نوسان تولیدات نفتی ایران در سالهای پس از انقلاب تا سال ۱۹۸۸ بدین نتیجه می رسد که یکی از اهداف رهبران انقلاب اسلامی این بود که از وابستگی شئون مختلف جامعه به نفت بکاهند. این مقاله به جهت اینکه اطلاعات مناسبی در ارتباط با نقش نفت در سیاست ارائه می دهد مورد توجه واقع شده است. اما همانطور که از عنوان مقاله پیداست این مقاله صرفاً اقتصاد سیاسی ایران را در دوران جنگ بررسی کرده و از این نظر نمی تواند به طور کامل سیاست خارجی ایران را بعد از جنگ تحمیلی تحلیل کند.

#### ۶- اقتصاد سیاسی و نفت:

«اقتصاد سیاسی و نفت» عنوان مقاله ای است که توسط هوشنگ امیراحمدی در سال ۱۹۹۴ به رشته تحریر درآمده و نویسنده با مطالعه و مقایسه توانایی انرژی کشورهای منطقه خلیج فارس، به تبیین چالش های پیش روی آنها می پردازد. باتوجه به اینکه مقاله مربوطه توانایی انرژی کشورهای حوزه خلیج فارس را مورد بررسی قرار می دهد از این جهت مورد توجه این پایان نامه بوده است. اما این مقاله ارتباط سیاست خارجی ایران و انرژی را بررسی نکرده است.

این پژوهش حاضر ارتباط بین سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مؤلفه انرژی تا پایان دوره دولت نهم مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است و از این بعد به نظر می رسد که کاملتر و جامع تر از پژوهشهای پیشین باشد.

#### سازماندهی تحقیق:

فصل اول: کلیات پژوهش، که شامل سؤال و فرضیه، بیان مسئله، هدف مسئله و ادبیات موضوع می باشد.

فصل دوم: چهارچوب نظری: برونگرایی اقتصادی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.

فصل سوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی و ژئوپولیتیک انرژی خلیج فارس.

فصل چهارم: تنش زدایی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۶۸).

فصل پنجم: انرژی و تنش زدایی منطقه ای جمهوری اسلامی ایران.

نتیجه گیری

## پی نوشت ها:

- ۱- جواد منصوری، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۱۱
- ۲- قاسم قاسم زاده «سیاست تنش زدایی و تجدید روابط سیاسی ایران و مصر»، نشریه جامعه شناسی ایران، شماره ۲، ۱۳۸۲، ص ۷۹
- ۳- علیرضا ازغندی، «تنش زدایی در سیاست خارجی: مورد جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸-۱۳۶۸»، نشریه سیاست خارجی، شماره ۴۱۳، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴۳
- ۴- محمد رضا دهشیری، «درونگرایی و برونگرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۹، بهار ۱۳۷۸، ص ۹.

# فصل دوم

چارچوب نظری:

برونگرایی اقتصادی و سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران

اقتصاد و سیاست، دو موضوعی است که در دنیای پیچیده و پیشرفته امروزی، بیش از هر زمان دیگر در هم تنیده و فرورفته است. از این رو شاید نتوان مرزبندی دقیق و عمیقی بین اقتصاد و سیاست تعیین نمود. این دو متغیر ضمن اینکه بر یکدیگر کاملاً تاثیرگذار است و در مواردی برای یکدیگر حالت تعیین کنندگی دارد، خود نیز بیش از هر زمان دیگر، حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بشر را تحت تأثیر قرار داده است. در این میان، رابطه اقتصاد و سیاست در کشوری مانند ایران بسیار پررنگ تر و برجسته تر است زیرا از زمان پیدایش نفت اقتصاد کشور ما در مسیری حرکت کرده است که به آن اقتصاد نفتی گفته می شود. اقتصاد نفتی بدین معنا است که ۹۰ درصد اقتصاد ایران چه در دوره پهلوی و چه در دوره جمهوری اسلامی وابسته به فروش منبع طبیعی نفت بوده است به عبارت دیگر جایگاه تولید در اقتصاد کشور ما بسیار کم رنگ و ضعیف است. در این فصل نگراننده به دنبال بررسی این موضوع است که با توجه به نقش انرژی (نفت و گاز) در اقتصاد کشور، جمهوری اسلامی ایران چه نوع رابطه و یا مدل اقتصادی باید در دنیای خارج پیگیری کند. از آنجایی که هر کشوری در عرصه اقتصادی دارای مدلی برای توسعه است حال سؤال این است که چه مدلی برای اقتصاد نفتی ایران می تواند مناسب باشد و این مدل چه تأثیری بر سیاست خارجی کشور می گذارد. رابطه بین مدل توسعه اقتصادی از یک سو و نوع و ماهیت جهت گیری های سیاست خارجی از سوی دیگر هدف اصلی این فصل می باشد. در این فصل نگراننده بیان می کند چون اقتصاد کشور ما وابسته به فروش نفت و به نوعی وابسته به دنیای خارج است، جمهوری اسلامی ایران مجبور است که مدل توسعه برون گرا را برای خود اتخاذ نماید و تأثیری که این مدل بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی می گذارد این است که کشور باید در جهت حل اختلافات خود با دنیای خارج مشخصاً کشورهای صادرکننده نفت و کشورهای مصرف کننده قدم بردارد و به عبارت دیگر در مسیر تنش زدایی حرکت کند زیرا اقتصاد ایران وابسته به فروش نفت به دنیای خارج از یک سو و واردکردن کالاهای مورد نیاز کشور از سوی دیگر از کشورهای صنعتی می باشد همچنین به منظور فروش بهتر نفت جمهوری اسلامی نیازمند این است که هرچه بیشتر خود را با دیگر کشورهای صادرکننده نفت هماهنگ نماید و با همکاری بیشتر در این عرصه، فروش مطمئن نفت خود را تضمین کند. پس به طور خلاصه می توان گفت که مدل توسعه برون گرا نیازمند یک سیاست خارجی تنش زدا با ویژگی رابطه دوستانه و همکاری جویانه بویژه با کشورهای صادرکننده نفت در حوزه خلیج فارس و اوپک می باشد.